کیهان

یادداشت روز

فرار با کفن کهنه!

مدت زیادی از زلزله غمبار کرمانشاه نگذشته است و به همین دلیل تصور شرایط و وضعیت مذکور دشوار نیست. تصور کنید در شهری زلزله رخ داده است. منطقی و عاقلانه‌ترین کار در ساعات اولیه، نجات مصدومان و رسیدگی به آنهاست. حال فرض کنید در آن شرایط خطیر که هر لحظه تعلل می‌تواند باعث از دست رفتن امکان نجات مصدومی از زیر آوار شود، یکی بگوید باید آشغال‌های شهر را جمع کنیم! دیگری مردم را بترساند که ایهاالناس فرار کنید که سیل نیز در راه است! آن یکی دیگر بگوید تقصیر خودشان است و اگر چنین و چنان نمی‌کردند اینگونه نمی‌شد. یکی هم با ژستی بسیار متفکرانه و عمیق پیدا بشود و بگوید باید مسائل را ریشه‌یابی کرد و ریشه اشک امروز ملت نیز به اشکانیان بازمی‌گردد که در مکان‌یابی و پایه‌گذاری این شهر دقت کافی را به خرج ندادند! چهار نفری هم که عقلی دارند و می‌دانند حالا وقت این حرف‌ها نیست و باید به داد زیرآوارماندگان رسید، توی سر و کله هم بزنند و دست به یقه باشند که روش آواربرداری تو غلط است و آنچه من می‌گویم و می‌کنم درست است. بیفتند به جان یکدیگر و دست به یقه بشوند و به‌جای نجات مجروحان، بر آمار آن بیفزایند! اگر کسی شاهد کلیت این ماجرا باشد احتمالا خواهد خندید. البته از آن خنده‌های تلخ‌تر از گریه.

اگر از دایره تنگ‌نظری‌های فردی و گروهی و جناحی اندکی دور شویم و به صحنه سیاسی کشور نگاه کنیم، تقریباً با وضعیتی مشابه مثال فوق روبرو می‌شویم. کشور مدتهاست درگیر جنگ تمام‌عیار اقتصادی است اما عده‌ای از سر تغافل و عده‌ای نیز عالمانه سعی در لاپوشانی آن دارند. آنهایی که برای حل مشکلات چشم به غرب داشتند و گمان می‌کردند نسخه شفابخش اقتصاد، تنش‌زدایی در سیاست خارجی است، امروز حداکثر هنرشان این است که بگویند درست است که این راه به جایی نرسید اما خدا را شکر کنید که در پیاده‌روها دیوارکشی نشد! درباره ارتباط اقتصادی با غرب نیز، دشمن در حیاط منزل مشغول تیراندازی است و به‌جای آنکه کاری کنند و اهل خانه را نیز هوشیار و برای دفاع آماده سازند، می‌گویند خوش باشید که جشنی برپاست و مهمان‌ها دارند ترقه و فشفشه هوا می‌کنند.

هدف اصلی این جنگ چیزی نیست جز دلسرد کردن مردم از هویت استقلال‌طلبانه خود و پناه آوردن به غرب برای نمردن از گرسنگی. به موازات این جنگ بی‌سابقه و سنگین، بمباران روانی مردم نیز در جریان است؛ چه بسا سنگین‌تر از آن. روز را شب و سیاه را سفید جلوه می‌دهند و فضایی می‌سازند که گویی همه اقصی‌نقاط عالم بهشت برین است و ایران دوزخ لعین! آنهایی که سرمایه و تخصص و استعدادی قابل عرضه دارند بهتر است هرچه زودتر جان خود را بردارند و رخت و بخت خود را از این دیار بیرون کشند و آنان هم که نمی‌توانند برزخیان روی زمین هستند و محکوم به ادامه مسیری که رو به قهقراست! این را هم باید بدانند که تمام مشکلاتشان مربوط به آن است که حاضر نیستند مقابل غرب سر تعظیم فرو آورند که اگر چنین کنند آتش بر آنان گلستان خواهد شد. پس تعجبی ندارد که ضدانقلاب فراری در نهایت وقاحت بنویسد: «خیلی‌ها ضداستعمار می‌نویسند، اما استعمار الزاما پدیده بدی نیست، برای خیلی‌ها برکت داشته در جای جای جهان.» و برای آنکه تحمیق مخاطب را تکمیل کند شاهد مثال نیز می‌آورد که اگر امروز هند در برخی جنبه‌های علم و تکنولوژی پیشرفتی دارد، از صدقه سر ۱۵۰ سال استعمار بریتانیای کبیر است و هندی‌ها باید ممنون باشند که انگلیسی زبان دوم آنهاست.

وضعیت خبری و تحلیلی نه تنها در ایران که در دنیا دچار نوعی آشفتگی و سردرگمی بی‌سابقه است. مقاله مفصل و تحلیلی مجله نیوزویک در خرداد ماه سال‌جاری - به قلم نینا بارلیگ - تصویر قابل تاملی از این وضعیت ارائه می‌کند. این مقاله که تیتر اصلی مجله در آن شماره است، صفی طویل و منظم از شهروندان را نشان می‌دهد که هر کدام یک گوشی هوشمند در دست دارند و با حالتی مسخ شده به سوی صندوق رایِ در حرکت هستند. تیتر روی جلد این است؛ شستشوی مغزی! ظاهراً در دنیایی هستیم که دیگر خبری از سانسور اطلاعات نیست و اخبار و تحلیل‌های مختلف از منابع گوناگون به‌صورت لحظه‌ای و برخط به تمام دنیا مخابره می‌شود. فقط کافی است یک گوشی هوشمند داشته باشید. چه لب مرز افغانستان باشید و چه در قلب نیویورک، به یک اندازه از جریان آزاد (؟!) اطلاعات برخوردار خواهید بود. مغزتان را شستشو می‌کنند و خوشحالید که از دنیا عقب نیستید!

دشمن از سویی - با جنگ اقتصادی - معیشت مردم را نشانه رفته است و از سوی دیگر شستشوی مغزی آنان را همزمان در دستور کار دارد. اگر راهکاری برای گشایش معیشت مردم ارائه شود، می‌گویند اینها می‌خواهند دور کشور دیوار بکشند و مردم را از تکنولوژی و محصولات روز دنیا محروم کنند! و اگر صدایی دلسوز از گوشه‌ای برخیزد که مردم این شستشوی مغزی است و نه گردش آزاد اطلاعات، می‌گویند ملت چه نشسته‌اید که می‌خواهند چشم و گوشتان را ببندند!

در این معرکه عظیم، ملاک و معیار سنجش افراد و جریان‌ها و عملکردشان، نسبت آن با این دو میدان نبرد است. فلان کار و موضع‌گیری در راستای گشایش معیشت مردم است یا باری مضاعف بر دوش آنان نهاده و نمک بر زخمشان می‌ریزد؟ به همان موضع‌گیری و عملکرد، گره‌ای از هزار و یک شبهه فکری خلق‌الله باز می‌کند یا خود گره‌ای دیگر می‌افزاید؟ جنجال‌ها و مباحث این روزها را نیز با همین شاقول می‌توان سنجید.

یک نمونه اخیر آن هیاهوی اصلاح‌طلبان برای عبور از روحانی است. این عبور زودهنگام -کمتر از چهار ماه پس از آغاز به کار دولت- در حالی است که پیش از انتخابات می‌گفتند ما تضمین وعده‌های روحانی هستیم. امروز که قافیه تنگ شده و می‌بینند و می‌دانند خبری از تحقق آنها نیست و نخواهد بود، راه فرار به جلو در پیش گرفته‌اند که ما با اینها نیستیم و کسی از ما نخواهد و نپرسد که چرا چنین شد. می‌گویند فردی که عمری را به باطل گذرانده و در بستر احتضار بود، به فرزندانش گفت کفن کهنه‌ای برایش فراهم کنند. با تعجب پرسیدند چرا کهنه؟! گفت تا پس از مرگ مرا در آن بپیچید و دفن کنید. فرزندانش پرسیدند چه فایده‌ای برایت دارد؟ مرد گفت وقتی نکیر و منکر بیایند و کفن را ببینند گمان می‌کنند من از مرده‌های پیشین هستم و سؤال نمی‌پرسند و جواب نمی‌خواهند! امروز جامعه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...با جریانات و افرادی مواجه است که با پوشیدن کفن کهنه در پی فرار از پاسخگویی هستند.

اگرچه همگان در این میدان وسیع و خطیر مسئولیت دارند اما به نظر می‌رسد دو دستگاه و نهاد به دلایلی نسبت به دیگران مسئولیتی عظیم‌تر بردوش دارند؛ قوه قضائیه و صدا و سیما. درباره مسئولیت، جایگاه، میزان موفقیت و نواقص این دو دستگاه سخن بسیار است و باید به هر کدام به‌صورت جداگانه پرداخت. هجمه سنگین و مداوم دشمن به این دو نهاد نیز ناشی از همین مسئولین و جایگاه ویژه است. از منظری می‌توان جایگاه آنها را با نکیر و منکر مقایسه کرد. در روایات آمده است که این دو فرشته الهی صدایشان مانند رعد غرنده و چشم‌هایشان مانند برق خیره‌کننده بوده و فریاد آنها مو بر تن فرد راست می‌کند. البته چگونگی برخورد آنها بر اساس ایمان یا انحراف افراد است و چهرهٔ آنها در برخورد با افراد نیز تفاوت دارد و بر آنهایی که راه حق را پیموده‌اند، بشیر و مبشر وارد می‌شوند. حمله جریانات نادان داخلی و دشمنان دانای خارجی به این دو نهاد، نباید باعث بسته شدن باب مطالبه‌گری، نقد و اصلاح آنها شود. همه باید درباره مسئولیت و عملکرد خود در این دو نبرد بزرگ اقتصادی و فرهنگی-رسانه‌ای پاسخگو باشند. مطالبه و محاسبه را از خود آغاز کنید و چتر آن را بر سر تمام اجزای جامعه بگسترانید و اجازه ندهید مرده‌های متحرک و کفن‌های کهنه فریبتان بدهند. اما باید به جایگاه و خاستگاه برخی از نقدها و اعتراض‌ها به قوه قضائیه، صدا و سیما و... نیز نیم‌نگاهی داشت، چرا که این روزها افراد و جریاناتی نه با انگیزه اصلاح که با انگیزه انتقام از دستگاه قضایی و ایجاد بی‌اعتمادی به آن، زبان و قلم به اعتراض گشوده‌اند. ماهیت اینگونه اعتراض‌ها را که با نقد دلسوزان فاصله‌ای پرناشدنی دارد به آسانی می‌توان شناخت.

محمد صرفی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

افزایش ۷۰ درصدی حقوق نمایندگان چشم نظارتی مجلس را می‌بندد

سرویس سیاسی-

افزایش ۷۰ درصدی حقوق نمایندگان با توجه به اینکه در فصل بودجه قرار داریم و نمایندگان بایستی با چشمان ریزبین بودجه را رصد کرده و معایب آن را اصلاح کنند چشم نظارت مجلس را بسته و مشکلات اقتصادی کمرشکنی را به ملت تحمیل می‌کند.

روز یکشنبه خبری در رسانه‌ها منتشر شد که بر اساس آن حقوق و دریافتی نمایندگان با افزایش ۷۰ درصدی به ده میلیون تومان خواهد رسید، این خبر هر چند بعید می‌نمود ولی با واکنش و یا تکذیب شفاف مجلس و یا نمایندگان مواجه نشده و بر ابهامات موجود افزوده است.

در دو روز گذشته خبری در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد که بر اساس آن حقوق نمایندگان با افزایش ۷۰ درصدی به ده میلیون تومان خواهد رسید، به گزارش « همشهری » کمیته بودجه‌نویسی مجلس برای افزایش حقوق نمایندگان تا ۱۰میلیون تومان در ماه به توافق رسیده است. افزایش حقوق نمایندگان از ۵ میلیون و ۸۰۰هزار تومان به ۱۰ میلیون تومان تنها خبر خوش این کمیته برای مجلسی‌ها نیست و قرار است هزینه دفاترآنها نیز بنا به تورم ۱۰تا ۱۵درصد اضافه شود.»

تا لحظه تنظیم این گزارش دو نماینده مجلس به خبر فوق واکنش نشان داده‌اند ، یک نماینده با بیان اینکه بعید می‌دانم چنین باشد گفته است در صورت صحت این حقوق را دریافت نخواهد کرد و نماینده دیگر نیز با بیان اینکه حقوق نمایندگان بسیار اندک است در عمل خواستار افزایش این حقوق به میزانی که تکاپوی هزینه‌های بهارستان‌نشین‌ها را بکند شده است!

به عنوان نمونه یحیی کمالی‌پور، نایب‌رئیس کمیسیون قضایی گفته است: حقوق نمایندگان واقعا خیلی کم است و به‌همین دلیل نمایندگان ترجیح می‌دهند حقوقشان را از نهادهایی که قبلا در آنجا مشغول به خدمت بوده‌اند بگیرند؛ مثلا بنده شخصا حقوق نمایندگی را دریافت نمی‌کنم و به‌عنوان یک قاضی همچنان از قوه قضائیه حقوق می‌گیرم چرا که حقوق دستگاه قضا به بنده ۴میلیون بیشتر از حقوقی است که مجلس به من می‌دهد.

کمیته‌ای که مسئول افزایش حقوق نمایندگان است!

بر اساس این گزارش کمیته بودجه نویسی مجلس جمعی ۵نفره‌ای است که زیرنظر مستقیم ریاست مجلس امور مالی بهارستان را پیش می‌برد.

در این کمیته بهروز نعمتی عضو هیئت‌رئیسه و حسن زمانی، مشاور رئیس‌مجلس به نمایندگی از هیئت‌رئیسه در جلسه‌ای مشترک با محمدرضا تابش، محمدحسینی و عبدالرضا مصری سه تن از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه درباره بودجه مجلس رایزنی می‌کنند و برای فهرست دخل و خرج مجلس بودجه می‌نویسند.

کمیته‌ای که جز رقم کلی که در ۵ردیف بودجه (مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، کتابخانه و مرکز اسناد، دیوان محاسبات و اداره تنقیح قوانین) به صحن علنی بهارستان ارجاع می‌شود، جزئیات بیشتری در اختیار نمایندگان قرار نمی‌دهد.

تابناک نیز در این زمینه گزارش می‌دهد: «بنا بر برخی گزارش‌ها، از جمله اقدامات اولیه این کمیته در روزهای اخیر،تعیین حقوق نمایندگان بوده است، به گونه‌ای که سقف دریافت حقوقشان را تا ۷۰ درصد افزایش داده است؛ افزایشی که احتمالا مستند به ماده ۷۱قانون خدمات کشوری است،که بر اساس آن،نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم‌تراز وزرا و معاونان رئیس‌جمهور تعریف می‌شوند.اگر چنین اتفاقی بیفتد احتمالا سقف حقوق نمایندگان تا ۱۱ میلیون تومان افزایش خواهد داشت.»

این گزارش می‌افزاید : « همین اتفاقات باعث شده است که اکنون حدود سی تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به هیئت رئیسه، خواستار شفاف‌سازی هزینه‌های مجلس شوند.آنان درخواست کرده‌اند تا هیئت‌رئیسه مجلس شفاف اعلام نمایند، بودجه‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای مجلس به چه شکل هزینه می‌شود.»

نمایندگان عضو کمیته بودجه‌نویسی مجلس به رسانه‌ها پاسخ شفافی در این زمینه نمی‌دهند که آیا گزارش‌های منتشر شده درباره حقوق نمایندگان صحت دارد و یا نه ؟ و اگر صحت دارد چرا در شرایط کنونی که قرار است یارانه مردم حذف و قیمت سوخت افزایش یابد این سختی و مشقت تنها بایستی بر دوش مردم محروم جامعه سنگینی کند؟

می‌شود منتظر شفافیت از سوی نمایندگان و بهارستان نشین‌ها ماند ولی با مفروض دانستن صحت گزارش رسانه‌ها که در روزهای گذشته این خبر را منتشر کرده و نمایندگان نیز پاسخ شفافی به آن نمی‌دهند نکاتی را بایستی متذکر شد.

افزایش حقوق در فصل بودجه!

درباره افزایش ۷۰ درصدی حقوق نمایندگان نکات متعددی را می‌توان متذکر شد و بدان پرداخت که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

نخست آنکه‌افزایش حقوق مجلسی‌ها در فصلی که نمایندگان بایستی چشمان تیزبینی برای بررسی بودجه و اصلاح معایب آن در چارچوب منافع ملت داشته باشند چشم نظارتی بهارستان را می‌بندد.

نمایندگان و مجلسی که خود را مدیون دولت در ازای حقوق دریافتی خود از بودجه ببینند هرگز راضی نخواهد شد و به خود اجازه نخواهد داد که بودجه را با دقت رصد و آن را اصلاح کند.

از این رو به جد می‌توان گفت که این خبر یعنی افزایش هفتاد درصدی حقوق نمایندگان باعث بسته شدن چشم نظارتی مجلس خواهد شد و این به صلاح ملت نیست.

افزایش حقوق نمایندگان حذف یارانه‌های مردم!

نکته تاسف بار دیگر آنکه در روزهای گذشته ابعاد و جزئیات فراوانی از بودجه سال ۱۳۹۷ منتشر شده است که دیگر این جزئیات شایعه نبوده و خبر از تحولات تاسف باری در اقتصاد و وضعیت زندگی مردم عادی در سال‌های آینده می‌دهد.

لایحه بودجه سال ۹۷ که حدود ده روز پیش توسط رئیس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی ارائه شد، جنجال زیادی را ایجاد کرد، چه اینکه تصمیم به حذف ۳۰ میلیون نفر از یارانه نقدی و افزایش قیمت برخی حامل‌های انرژی از جمله مهم‌ترین نکاتی بود که حوزه معیشت مردم را نشانه می‌رفت.

کارشناسان اقتصادی تصریح می‌کنند: «افزایش قیمت حامل‌های انرژی از جمله گازوئیل، افزایش قیمت آب و برق، حذف یارانه نان و متعاقباً افزایش نرخ انواع نان، افزایش مالیات در این اقتصاد بیمار و راکد، افزایش چند برابری و خنده‌دار عوارض خروج از کشور و... دهها مورد دیگر که ذکر تک تک آنها از حوصله بحث خارج است موجب شکل گیری بحران در جامعه و فشار سنگین مالی به عموم مردم خواهد شد»

این کارشناسان می‌گویند : « از افزایش کرایه حمل و نقل کالا و مسافر گرفته تا رشد قیمت مایحتاج مردم، افزایش هزینه‌های جاری مردم، افزایش نرخ دلار و سفرهای خارجی و ورود گران کالا با نرخ جدید دلار، افزایش قاچاق، رکود تولید و .... متأسفانه همه این موارد زندگی مردم را فلج و موج جدیدی از تورم و رکود را به راه خواهد انداخت که با این تفاسیر باید گفت سال آینده سال بسیار سختی خواهد بود.»

جدولی از جنس چانه زنی!

در حالی که دولت بودجه را به دلیل و ادعای کمبود منابع انقباضی بسته و تنظیم کرده است افزایش حقوق نمایندگان در این میان عجیب به نظر می‌رسد.

در جدول شماره ۲۰ لایحه تقدیمی دولت برای سال ۱۳۹۷، عناوین ۲۹۳ طرح مطالعاتی و اجرائی درج شده است که به استناد جمله ذیل آن، مجوزهای قانونی لازم (که در بند ۱ ذکر نمودم) را برای پیشنهاد شدن جهت تصویب مجلس، کسب نکرده است.

این طرح‌ها که ممکن است بعضی از آنها مشتمل بر چندین پروژه باشند، از راه و سد و بیمارستان و دانشگاه و راه آهن و آبرسانی و فاضلاب و آمفی تاتر و فرودگاه و...گرفته تا بزرگراه و کنارگذر و احداث پل و... را در برمی‌گیرند، به نحوی که چون مراحل مطالعاتی آنها طی نشده است اصولا امکان برآورد دقیق هزینه احداث آنها غیر ممکن است.

شاید در یک برآورد، به بودجه ده سال معمولا مصوب عمرانی کشور یعنی حدود یک میلیون میلیارد تومان نیاز باشد تا این طرح‌ها، به شرط داشتن توجیه فنی، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی، در مجموع طی بیست سال به سامان اجرائی برسند. دولت برای این طرح‌های مطالعه نشده، فقط ۲۰ میلیارد تومان در لایحه پیشنهاد کرده است.

حسن سبحانی استاد اقتصاد دانشگاه تهران و نماینده دوره‌های پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی در این زمینه می‌گوید: هر کس کمترین آشنایی با اقتصاد سیاسی ایران داشته باشد می‌فهمد که این جدول محصول چانه‌زنی‌ها و توافقات بین نمایندگان و تمکین دولت به آنها، به دلائل دیگری است که آنها هم از جنس چانه‌زنی برای تصویب بودجه و... در مجلس است.

به عبارت دیگر، وقتی در یک جدول ۲۹۳ طرح وجود دارد تقریبا برای همه شهرستان‌ها طرحی یا طرح‌هائی مطرح گردیده است و نمایندگان عمدتا برای حفظ پروژه یا طرح شهرستان خود هم که شده، نه تنها با این طرح‌ها که مراحل لازم‌الرعایه پیش از تقدیم به مجلس را نگذرانده‌اند موافقت می‌کنند که تلاش می‌کنند در بقیه موارد هم از نابسامانی‌های مخرب در بودجه دفاع کنند تا لایحه بودجه حاوی طرح مورد نظر آنها تصویب شود.

آجر شدن نان مردم به چه قیمتی؟!

با وجود حذف یارانه اقشار مردم مستضعف جامعه و افزایش قیمت حامل‌های انرژی و نیز افزوده شدن نرخ انواع نان، افزایش هفتاد درصدی حقوق نمایندگان عجیب و شگفت انگیز به نظر می‌رسد. مردم می‌پرسند اگر قرار است کشور مسیری را طی کند یارانه‌ها حذف، قیمت سوخت افزایش و نرخ نان رشد تصاعدی داشته باشد چرا سنگینی بار این تحولات بایستی بر دوش اقشار کم درآمد بوده و تنها حقوق نمایندگان آن هم در فصل بودجه افزایش یابد؟!

گفت و شنود

دست زیاده!

گفت: بانک مرکزی اعلام کرده که میزان نقدینگی از یک تریلیون و ۴۰۰ هزار میلیارد تومان گذشته است!

گفتم: ولی این میزان در آغاز به کار دولت یازدهم ۴۲۰هزار میلیارد تومان بود.

گفت: این رقم فوق نجومی نشان می‌دهد که نقدینگی‌ها به جای آنکه در تولید و کسب و کار که اشتغال‌آفرین است به کار گرفته شود، در بانک‌ها ذخیره شده و بیکاری انبوهی از مردم را به دنبال داشته است.

گفتم: وقتی با واردات بی‌رویه و قاچاق کالا و... کارخانه‌ها و مراکز تولید تعطیل می‌شوند و کسب و کار از رونق می‌افتد و سرمایه‌ای وارد بازار تولید نمی‌شود، نتیجه همین بیکاری خسارت‌بار خواهد بود.

گفت: ولی روزنامه‌های زنجیره‌ای ادعا می‌کنند که بیکاری کاهش یافته است!

گفتم: از شخصی پرسیدند شغلت چیست؟ گفت؛ بیکارم. گفتند؛ حالا از این شغل رضایت هم داری؟ گفت؛ بد نیست ولی حیف که دست زیاد است!!

ساینس مانیتور:

ایران چالش آمریکا، اسرائیل و عربستان در منطقه است

یک روزنامه آمریکایی نوشت: ظهور سریع ایران در منطقه چالشی جدید برای آمریکا، اسرائیل و عربستان است و بر سلطه پیشین آنها بر منطقه لطمه می‌زند.

به گزارش فارس، روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتور در گزارشی به قلم اسکات پیترسن خبرنگار خود بااشاره به شکست داعش در منطقه و کمک‌های ایران در این مسیر، نوشت: این رویداد یک پیروزی برای ایران است که از دل میادین نبرد ضد داعش در سوریه و عراق و فراتر از آن به عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای بی‌نظیر با توانایی قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای شکل‌دهی سلسله امور در خاورمیانه با توجه به تجربیات کسب‌شده سر برآورده است.

این روزنامه در بخشی دیگر نوشت: ظهور سریع ایران در منطقه چالشی جدید برای آمریکا، اسرائیل و عربستان است و بر سلطه پیشین آنها بر منطقه لطمه می‌زند.

این روزنامه در ادامه بااشاره به سخنان اخیر محمد بن سلمان ولیعهد جوان عربستان سعودی و اقداماتی چون مجبور کردن نخست‌وزیر لبنان به استعفا و حمله عربستان به یمن، نوشت: عربستان دو سال و نیم است که با حمایت نظامی آمریکا جنگ فاجعه باری را در یمن علیه غیرنظامیان ایجاد کرده است. این جنگ تاکنون ده هزار کشته برجای گذاشته و موجب از بین رفتن بیمارستان‌ها، مناطق تاریخی، مسدود شدن بنادر، قحطی گسترده و تشدید بیماری‌های سخت در یکی از فقیرترین کشورهای جهان شده است.

کریستین ساینس مانیتور بااشاره به تهدید اسرائیل از سوی نیروهای مقاومت حزب‌الله، استحکام مواضع آنها در مرزهای سرزمین‌های‌اشغالی و حضور نیروهای این گروه در نبرد دشوار با داعش در سوریه به نقل از فواز جرجیس تحلیلگر منطقه‌ای ساکن انگلیس نوشت: به لحاظ موقعیت تاریخی، ایران تاکنون موقعیتی چنین قدرتمند را نداشته است.

در خاتمه این مطلب به توانمندی‌های ایران در نبردهای نامتقارن و هواداران جمهوری اسلامی در عراق، سوریه و افغانستان و مشارکت آنها در عملیات ضد داعش‌اشاره شده است.

خبر ویژه

پوپولیست‌تر از خود شما مگر وجود دارد؟!

افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی مدتی است نسبت به ظهور پوپولیسم ابراز نگرانی می‌کنند در حالی که پوپولیست‌تر از آنها در فضای سیاسی ایران وجود ندارد.

صادق زیباکلام در روزنامه آرمان نوشت: زمینه ظهور پوپولیست دیگر مهیاست. برخی تصور می‌کنند آقای روحانی از اهداف، مطالبات و آرمان ۲۴ میلیونی فاصله گرفته و تحلیل می‌کنند که طی توافقی با علی لاریجانی قصد حمایت از او در انتخابات ۱۴۰۰ را دارد. هم روحانی و هم لاریجانی در صورتی که چنین تصمیمی اتخاذ کرده باشند، اشتباه استراتژیک کرده‌اند، چرا که در صورت عدم موفقیت دولت فعلی به‌هیچ عنوان زمینه برای موفقیت لاریجانی فراهم نخواهد شد.

در چنین شرایطی، به تبع ناامیدی در بخش عمده‌ای از ۲۴ میلیون حامی روحانی، درصد مشارکت در انتخابات بعدی پایین خواهد آمد و در سمت مقابل راه برای بهره‌برداری یک جریان پوپولیست از عدم موفقیت رئیس‌جمهور باز می‌شود. بسیاری از ۲۴ میلیون رای دهنده به روحانی فعلا احساس مثبتی از عملکرد دولت ندارند. البته باید متذکر شوم که شکست دولت روحانی موجب ضرر هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان میانه‌رو خواهد بود، اما در مقابل بیشترین سود نصیب تندروهایی خواهد شد که در حال آماده کردن نامزد پوپولیست خود هستند. اتفاقی که در تیر ۸۴ رخ داد، می‌تواند بار دیگر در خرداد ۱۴۰۰ رخ دهد. سرخوردگی بخشی از ۲۲ میلیونی که به رئیس دولت اصلاحات رأی دادند، موجب جمع‌آمدن بخشی از رأی ۱۷ میلیونی احمدی‌نژاد شد.

زیباکلام پیش از این هم در دانشگاه امیرکبیر گفته بود« از پوپولیسم ۱۴۰۰ می‌ترسم». غیر از او کسان دیگری هم این نگرانی را مطرح می‌کنند که با وضعیت عملکرد اقتصادی دولت امکان روی کار آمدن یک پوپولیست دیگر فراهم است.

پوپولیسم را به توده‌گرائی و عوام‌فریبی و رویکردهای هیجانی به دور از عقلانیت و تدبیر ترجمه می‌کنند. آیا به این معنا، پوپولیست‌تر از مدعیان دروغین اصلاحات و اعتدال که با فریبکاری، شیطان بزرگ را بزک کردند و ناجی اقتصاد نشان دادند، از رونق اقتصاد دم زدند اما فسادهای اقتصادی بزرگ را مرتکب شدند، و اقتصاد کشور را دچار چالش‌های بزرگی نظیر رکود، بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و ... کردند، وجود دارد؟!

به این معنا ابراز نگرانی درباره سر کار آمدن پوپولیسم، یک دروغ بزرگ و نعل وارونه جدید از سوی پدرجدهای پوپولیسم و عوام‌فریبی است.

مدیر نجومی فرمایشی چه انگیزه‌ای برای حل مشکلات داره آقای جهانگیری؟!

معاون اول رئیس‌جمهور می‌گوید برخی بانک‌ها آن طور که باید انگیزه حل مشکلات را ندارند.

اسحاق جهانگیری در جلسه بررسی مسائل و مشکلات بانکی گفت: در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی تصمیم گرفته شد کارگروهی در سطح ملی و استانی برای تسهیل و رفع موانع تولید ایجاد کند تا واحدهای تولیدی که به دلیل شرایط بد اقتصادی کشور با مشکل روبه‌رو شده بودند و قابلیت احیا و بازگشت به بازار داشتند، بتوانند از تسهیلات بانکی برخوردار شوند.

معاون اول رئیس‌جمهور ادامه داد: البته همان طور که بارها اعلام شد، اغماض و چشم‌پوشی درخصوص اینگونه واحدهای تولیدی به معنای سلب اختیار بانک‌ها نبود چرا که از بانک‌های عامل خواستیم در صورتی که یک واحد تولیدی را مستحق دریافت تسهیلات نمی‌دانند و بررسی‌های کارشناسی بانکی حکایت از عدم توانایی یک واحد تولیدی برای احیاء دارد می‌توانند از پرداخت تسهیلات به آن خودداری کنند اما در عین حال از بانک‌ها خواسته شد که به‌ پاسخی صریح و شفاف به کارگروه‌های تسهیل و رفع موانع تولید اعلام نمایند و دلایل عدم پرداخت تسهیلات را بازگو کنند.

جهانگیری افزود: با توجه به یکسان بودن قوانین و مقررات بانکی بعضا شاهد این موضوع هستیم که بعضی از مدیران بانک‌ها نهایت تلاش را می‌کنند تا مشکلات بر سر راه اعطای تسهیلات بانکی به بنگاه‌های اقتصادی را برطرف کنند اما متاسفانه برخی مدیران بانک‌ها هم هستند آن طور که باید انگیزه حل مشکلات را ندارند و با اتکا به مقررات موجود تلاشی در جهت باز شدن گره‌ها انجام نمی‌دهند.

باید به آقای جهانگیری یادآور شد که میزان معوقات بانکی بالغ بر ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان است و اگر مدیران بانک‌ها برای بازپس‌گیری این معوقات اهتمام داشته باشند، بخش عمده‌ای از مصائب کمبود اعتبار برای واگذاری تسهیلات و حمایت از تولید برطرف می‌شود. اما به اعتبار زد و بند برخی مدیران با بدهکاران، این اهتمام وجود ندارد.

از سوی دیگر باید به جناب جهانگیری توجه داد که وقتی انتصاب برخی مدیران بانکی نه براساس سلامت و پاکدستی و شایستگی، بلکه به خاطر همشهری فلان دولتمرد ارشد بودن یا فشار و اصرار برادر رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد، نباید انتظار داشت چنین مدیری، انگیزه حل مشکلات و پاسخگویی و حساب پس دادن داشته باشد. در این صورت با فجایعی نظیر حقوق و پاداش‌های ۳۰ تا ۷۳۴ میلیونی مدیران بانک رفاه کارگران و بانک ملت و تجارت و... می‌شویم، در حالی که برخی از آنها پرونده‌های تخلف سنگین در مدیریت‌های قبلی خود داشتند.

آقای عارف! چند بار از دولت درباره ناکارآمدی اقتصادی توضیح خواسته‌اید

رئیس فراکسیون امید برخلاف بزک‌کاری‌های چند سال اخیر مدعیان اصلاح‌طلبی اذعان کرد اقتصاد همچنان در رکود به سر می‌برد و مردم، ادعای تورم تک‌رقمی را احساس نمی‌کنند.

محمدرضا عارف در جمع مدیران شهری گفت: مردم با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند و شایسته ملت بزرگوار ما نیست که این حجم از مشکلات که از گذشته هم وجود داشته بر دوش آنها سنگینی کند.

عارف افزود: باید با تلاش دولت و مجلس، کشور از رکودی که در آن گرفتار شده است خارج شود و امیدوارم با اصلاحاتی که در بودجه ۹۷ از سوی نمایندگان مجلس صورت می‌گیرد سال آینده سال رونق اقتصادی در کشور باشد.

وی گفت: علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته اما مردم تورم تک‌رقمی را به صورت ملموس احساس نمی‌کنند و شاهد گلایه‌های مردم از افزایش قیمت برخی کالاهای مصرفی هستیم که باید در این زمینه در اسرع وقت چاره‌اندیشی شود.

عارف توضیح نداده که وی و فراکسیون متبوع وی چند بار از دولت و رئیس‌جمهور درباره آمارهای غیرواقعی و نارضایتی مردم سوال کرده و توضیح جدی خواسته‌اند.

یادآور می‌شود آقای روحانی در تبلیغات انتخاباتی سال ۹۲ می‌گفت معیار تورم، جیب مردم است نه آمارها. اما طی چند سال اخیر درحالی که جیب مردم، ارزیابی دیگر از تورم به دست می‌داده، وی و دیگر دولتمردان آمارهایی ارائه داده‌اند که با واقعیت‌های زندگی مردم نمی‌خواند.

گزارش دیرهنگام حامی برجام رونق ایجاد نشده، در رکود هستیم

رئیس مجلس ۲ سال پس از وعده‌های در باغ سبز دولت درباره گشایش‌های پسابرجامی و ادعای رونق اقتصادی تصریح کرد همچنان در رکود هستیم و رونق اقتصادی ایجاد نشده است.

علی لاریجانی که از متحدان دولت به شمار می‌رود، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، چند بار نامزدهای انتخاباتی را به خاطر وعده‌های اقتصادی مورد تخطئه قرار داد اما کمتر به عملکرد اقتصادی دولت و وعده‌های به دور از واقعیت شخص رئیس‌جمهور طی ۵-۴ سال گذشته به ویژه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری امسال پرداخت. طیف همسو با لاریجانی نیز نقشی تعیین کننده در تصویب ۱۵ دقیقه‌ای برجام برخلاف نظر کارشناسی کمیسیون ویژه داشت.

رئیس مجلس اما دیروز در ششمین همایش نقش پژوهش در قانونگذاری، به طور سربسته به ناکارآمدی‌های دولت اشاره کرد. در حالی که طبق دعاوی محافل سیاسی و رسانه‌های حامی برجام، باید پس از ۲ سال، بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار درآمد به کشور آمده باشد، آقای لاریجانی گفت: یکی از مشکلات عمده کشور مسئله بودجه است. تمام منابع و درآمدهایی که کشور از طریق نفت یا مالیات و روش‌های دیگر تهیه می‌کند، به زور به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد، بودجه جاری کشور هم همین قدر است؛ بنابراین بیش از این نمی‌توانیم به هزینه‌ها اختصاص دهیم.

وی افزود: دولت این بار برای جبران کسری بودجه خود اقدام به انتشار اوراق مشارکت کرده است که این امر موجب افزایش بدهی‌های دولت است. اداره کشور با این بودجه جاری امکان‌پذیر نیست. بخش اجرایی کشور فربه شده است.

لاریجانی خاطرنشان کرد: بارها به مسئولین گفته‌ام که امور کشور را شفاف به مردم بگوییم تا تصور نکنند که با وضعیت پر و پیمانی از نظر بودجه روبرو هستیم، منابع ضیق است و باید درست مصرف شود؛ اما روال فعلی، شرایط کشور را بهبود نمی‌دهد.

وی گفت: اینکه برای کمبود منابع، از اوراق استفاده کنیم، شاید برای یک سال پاسخگو باشد، اما استمرار آن یک دولت فرومانده بر جای خواهد گذاشت؛ پس باید اصلاح مسیر صورت گیرد.

رئیس مجلس خبر داد: ما همچنان دچار رکود در اقتصاد هستیم، رونق اقتصادی ایجاد نشده است، باید کمک کنیم بخش تولید، رونق پیدا کند.

یادآور می‌شود امسال دهمین سال ریاست آقای لاریجانی بر مجلس است. ۵ سال از این ریاست با ریاست جمهوری آقای روحانی (به عنوان مؤتلف رئیس مجلس) مقارن بوده است.

گران کردن ۵۰ درصدی بنزین به خاطر بی‌اعتنایی به تولید در داخل

بنزین ۱۵۰۰ تومانی که دولت درنظر دارد، با یارانه ۱۶۵ هزار تومانی مطابق است و نه یارانه ۴۵ هزار تومانی.

رجانیوز با انتشار این ارزیابی خاطرنشان کرد: با احتساب قیمت نفت ۵۵ دلاری ایران برای هر بشکه در لایحه بودجه ۹۷، قیمت بنزین تولید داخل ۱۱۹۵ تا ۱۲۳۲ تومان خواهد بود.

پالایشگاه ستاره خلیج فارس و اصفهان که از پالایشگاه‌های به روز کشور محسوب می‌شوند، می‌توانند بنزین سوپر (اکتان ۹۵) ۱۴۰۰ تومانی تولید کنند ولی در یک سال گذشته بنابه اظهارات سعید خوشرو، مدیر امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران، روزانه ۱۵ میلیون لیتر بنزین وارد کشور شده است.

«آخرین میزان واردات بنزین حدود ۱۴ میلیون لیتر در روز بوده است و با توجه به این‌که میزان مصرف بنزین ۸۱ میلیون لیتر و میزان تولید بنزین ۶۵/۵ میلیون لیتر در روز است، حدود ۱۵ میلیون لیتر اختلاف تولید و مصرف بنزین در کشور وجود دارد.»

متوسط قیمت بنزین در سال‌جاری پلت خلیج‌فارس به ازای هر لیتر ۰/۴۳ دلار بوده که با احتساب دلار ۳۳۰۰ تومانی بودجه ۹۶، دولت برای هر لیتر بنزین بدون احتساب هزینه حمل، ۱۴۲۰ تومان پول داده است. این یعنی دولت در ۲۶۸ روز گذشته، یک هزار و ۶۹۰ میلیارد تومان یارانه بابت واردات بنزین پرداخت کرده است.

حال درصورتی‌که پالایشگاه خلیج‌فارس مطابق برنامه در سال ۱۳۹۳ افتتاح می‌شد و فاز اول و دوم آن به بهره‌برداری می‌رسید، کشور هیچ نیازی به واردات بنزین نمی‌داشت و در این صورت حداکثر مبلغی را که دولت برای پرداخت یارانه بنزین پرداخت می‌کرد ۷۸۳ میلیارد تومان از ابتدای سال ۹۶ تاکنون می‌بود و این یعنی نصف یارانه‌ای که بابت واردات بنزین پرداخت شده است. دولت با مابه‌التفاوت قیمت بنزین تولید داخلی و خارجی توان راه‌اندازی کامل پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس بزرگ‌ترین پالایشگاه خاورمیانه را می‌داشت. ازسوی دیگر مواد اولیه (نفت خام) موردنیاز برای تولید بنزین در داخل نیز در داخل کشور موجود است و از سرمایه‌های ملی محسوب می‌گردد و برای تولید روزانه ۱۵ میلیون لیتر به کمتر از ۱۰۰ هزار بشکه نفت خام در روز نیاز است.

حتی اگر محاسبات انجام شده را نیز درنظر نگیریم بنابه اظهارات شاهرخ خسروانی معاون مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی قیمت بنزین تولید داخل از وارداتی ارزان‌تر است.

«با وجود این که قیمت تولید هر لیتر بنزین در ایران بیشتر از قیمتی است که این فرآورده به مردم عرضه می‌شود، اما این قیمت از قیمت‌های بین‌المللی بنزین ارزان‌تر است.»

با این احتساب، دولت نه‌تنها به تکمیل پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس روی نیاورده بلکه بابت فروش بنزین خارجی، روزانه میلیاردها تومان را به حساب پالایشگاه‌های خارجی و دلالانی که حضور مشکوک و شبه رانت در وزارت نفت دارند، واریز نموده است.

نکته جالب توجه اینجاست که بنزین گران‌قیمت خارجی را به قیمت پایین‌تر در بازار داخلی به فروش می‌رساند و عملا یارانه‌ای را که به اسم یارانه به مردم اعلام می‌کند به جیب پالایشگاه خارجی و دلال می‌ریزد، درحالی‌که می‌توانست همین بنزین را در داخل کشور با قیمت پایین‌تر تولید نماید.

قیمت بنزین قبل از هدفمندی یارانه‌ها ۱۰۰ تومان بود و با اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها، قیمت بنزین دونرخی شد و به ۴۰۰ و ۷۰۰ تومان افزایش یافت و متناسب با آن مبلغ ۴۵ هزار تومان به عنوان یارانه درنظر گرفته شد. در آن زمان قیمت جهانی بنزین ۰/۷ دلار یعنی ۶۶۵ تومان بود که با احتساب هزینه‌های حمل و پخش به ۷۰۰ تومان می‌رسید. حال دولت با افزایش قیمت دلار بنا دارد قیمت بنزین را به ۱۵۰۰ تومان در سال ۹۷ ارتقا دهد. ولی آیا متناسب با این افزایش نرخ دلار میزان یارانه نیز افزایش یافته است؟ درصورتی‌که بخواهیم یارانه سال ۸۹ را با توجه به افزایش نرخ دلار تطبیق دهیم، دولت در صورتی می‌تواند قیمت بنزین را کاملا آزاد کند که مبلغ یارانه مردم را به ۱۶۵ هزار تومان ارتقا دهد.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* مگر در جلسات هیئت دولت موشک به فضا می‌فرستند که هزینه برگزاری هر جلسه‌شان را در بودجه ۹۷ سی‌وهفت میلیون تومان پیش‌بینی کرده‌اند؟! چطور برای مردم عادی فقط ۱۰ درصد افزایش حقوق درنظر می‌گیرند. آیا این انصاف است؟!

۰۹۱۲---۱۸۸۳

* رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه که این قدر بر تورم زیر ۱۰ درصد تأکید دارند و حقوق را براساس تورم افزایش می‌دهند آیا برای نهادهای حوزه ریاست‌جمهوری و نمایندگان همین افزایش ۱۰ درصدی را در نظر می‌گیرند؟

۰۹۱۲---۵۲۷۱ و ۰۹۱۴---۹۵۹۰

* آقای نوبخت گفت، رئیس‌جمهور بابت افزایش نرخ ارز بسیار مکدر است! واقعاً جای مسرت و غرور است که جناب رئیس‌جمهور این قدر به فکر مردم هستند! خدا کند که ایشان مطلع نشوند که جناب معاون‌شان نرخ ارز را برای بودجه ۹۷ با مبلغ ۳۵۵۰ تومان بسته‌اند و همین حالا بسیاری از مردم ماه به ماه گوشت قرمز را به خود نمی‌بینند. چون در صورت اطلاع از اینها خدای ناکرده دچار افسردگی شدید می‌شوند!

۰۹۱۵---۱۷۱۳

* راه جبران کسری بودجه دولت افزایش قیمت حامل‌های انرژی و بنزین و یا قطع یارانه مردم نیست اگر راست می‌گویند جلوی ریخت و پاش‌ها و پرداخت تسهیلات خیره‌کننده به مسئولان و مدیران خودشان را بگیرند.

۰۹۱۵---۱۶۴۸

* آقای روحانی ریاست محترم جمهوری که قصد قطع کردن یارانه مردم را داشت چرا قبل از انتخابات صداقت به خرج نداد و این موضوع را با ملت در میان نگذاشت؟

۰۹۱۱---۴۱۴۳

* دولت بنا دارد در بودجه ۹۷ در کنار گران کردن حامل‌های انرژی یارانه جمع کثیری از مردم را نیز قطع کند و مابقی مستضعفین همان ۴۵۵۰۰ تومان را بگیرند! این رفتار دولت تبعیت از سیاست ظالمانه ریاضت اقتصادی غرب است که فشار مالی را بر اقشار پایین جامعه که طیف وسیعی از مردم را شامل می‌شود افزایش می‌دهد این حرکت ناشیانه دولت، همچنین بستر حجیم شدن دولت و دست‌درازی به منابع حاصل از قیمت‌های حامل انرژی، را فراهم می‌سازد. عدم حمایت از تولیدکنندگان داخلی با این افزایش قیمت‌ها، فضا را برای آنها تنگ‌تر می‌کند و راه برای یکه‌تازی قاچاقچیان اقتصادی با توجه به نبود نظارت هموارتر می‌شود.

۰۹۱۸---۵۴۱۱

* آقای روحانی گفتند از یارانه‌ها حذف شود و به بخش سلامت افزوده شود به ایشان عرض می‌کنم که گاه سلامتی بدن در گرو رفع دغدغه مشکلات اقتصادی است. اگر قرار باشد عرصه زندگی را برای جامعه تنگ کنید با موجی از بیماری‌های گوناگون ناشی از فشارهای روحی و روانی بر افراد مواجه خواهید شد.

۰۲۵---۳۳۶۳

* در وضعیت اسفناک اشتغال و تولید و واردات و قاچاق سرسام‌آور کالا، بیکاری کارگران، تورم کمرشکن، عادی شدن فساد و حرام‌خواری‌های نجومی، نومیدی جوانان و فارغ‌التحصیلان و... دولت با گران کردن سوخت و گذاشتن هزینه‌های جدید بر دوش مردم، در حال نمک پاشیدن بر این جراحت‌های متعدد مردم است.

۰۹۱۱---۸۱۱۲

* ورود کالای قاچاق از همان کانال‌هایی است که کالاهای دیگر به صورت قانونی وارد کشور می‌شود گویا فقط مهم این است که چه فردی واردکننده کالا است، نه اینکه قانونی یا غیرقانونی است!

۰۲۱---۸۲۶۱

* ملت شریف ایران، یادتان هست آن نامزد ریاست‌جمهوری را که در تبلیغات انتخاباتی گفت، هنوز برای آن سیلی که کارمند شهرداری به دست‌فروش زد احساس شرم می‌کنم! آیا دیگر در ضرب و شتم دست‌فروشان احساس درد نمی‌کند؟!

طباطبائی-قم

* آقای رئیس‌جمهور بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب خطاب به مردم می‌گوید باید بدانیم بودجه کشور در کجا خرج می‌شود معنی این حرف این است که در ۴ سال گذشته دوره ریاست جمهوری ایشان هم حساب و کتابی در کار نبوده است.

۰۹۱۱---۴۱۴۳

* آیا دولت فکر نمی‌کند که با قطع کردن یارانه ۳۱ میلیون نفر از مردم مراجعه به کمیته امداد امام خمینی برای تامین مخارج زندگی بیشتر می‌شود؟ عرض بنده این است که چرا دولت با آبروی ملت بازی می‌کند؟

۰۹۱۲---۵۷۶۴

* بازنشستگان همانند مدیران دولتی در نیاوران، فرمانیه و... ساکن نیستند، بازنشستگان حقوقشان را صرف مایحتاج اولیه زندگی می‌کنند اما مدیران دولتی با درآمدهای نجومی فهمی از قسط ماهانه ندارند و صدها دلیل نشان می‌دهد دولت و مدیرانش درک صحیحی از مشکلات جامعه ندارند زیرا تماس و ارتباطی با مردم عادی ندارند.

۰۷۱---۵۲۶۲

* درست است که با بودجه سال آینده افزایش قیمتی نجومی خواهیم داشت اما متعجبم چرا از حالا برخی از کالاها و خدمات پرمصرف در قیمت‌ها رشدی زیاد داشته است؟

۰۲۱---۳۱۵۲

* شرکت ذوب‌آهن شهر شاهرود ۳ ماه است که حقوق پرسنل و بازنشستگان را واریز نکرده است و اعتراض کارکنان و حقوق‌بگیران تاکنون بدون نتیجه بوده است. چرا مسئولین نسبت به پرداخت حق کارکنان این شرکت احساس مسئولیت نمی‌کنند؟!

تعدادی از کارکنان ذوب‌آهن شاهرود

* سرما در مناطق زلزله‌زده بسیاری از افراد را بیمار کرده است. مسئولان امر سریع‌تر فکری و تدبیری برای ما بکنند.

۰۹۳۳---۳۷۲۸

* آقای نجفی، شهردار تهران باید دستفروشان متروها را ساماندهی کند، شهردار سابق تهران خدمات ارزشمندی در سامان دادن دستفروشان داشته است اما مدتی است به جای مدیریت اوضاع، فقط سعی در سرکوب و بیکار کردن دستفروشان دارند!

۰۲۱---۵۰۶۰

* بیمه سلامت وسیله‌ای برای دور زدن مردم در افزایش درآمدهای نجومی بخشی از پزشکان کشور شده است. متاسفانه باید اعتراف کرد در کشور همه چیز به نام مردم ولی به نام قشر مرفه پیش می‌رود.

۰۹۱۵---۰۸۰۱

* در آموزش و پرورش آذربایجان‌شرقی بند ذ تبصره ۲ ماده ۸۷ قانون برنامه توسعه ششم که مربوط به حق و حقوق جانبازان و ایثارگران می‌باشد عمل نمی‌شود. بعضی از مسئولان با اعمال سلیقه فردی خود حقوق دیگران را که قانون شده زیر پا می‌گذارند و پاسخگو نیز نیستند چرا؟

۰۹۱۴---۸۹۸۴

طی نامه‌ای به رئیس مجلس

شورای نگهبان مصوبه مجلس درباره عضویت اقلیت‌های دینی در شورای شهر را رد کرد

شورای نگهبان طی نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی مصوبه مجلس درباره عضویت اقلیت‌های دینی در شورای اسلامی شهر و روستا را رد کرد.

در این نامه آمده است: نظر به اینکه طبق اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقلیت‌های دینی در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند و نیز به تجویز فراز دوم اصل ۶۴ قانون اساسی نمایندگانی را برای مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌نمایند، لذا با توجه به اصول مذکور و نیز با عنایت مفاد اصول ۱۰۰ و ۱۰۵ و مفهوم اصل ۱۲ قانون اساسی، تبصره یک ماده یک مغایر قانون اساسی شناخته شد.

در ادامه نامه مذکور خاطرنشان شده است: علاوه بر عضویت افراد غیر مسلمان در شوراهای اسلامی شهر و روستا در مناطقی از کشور که اکثریت مردم آنها مسلمان و پیرو مذهب رسمی کشور هستند با توجه به اینکه تصمیمات این شوراها در خصوص مسلمین بدون لزوم رسیدگی به آن در شورای نگهبان لازم‌الاتباع خواهد بود و با عنایت به نص فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۲ مذکور در صحیفه نور (جلد۶، چاپ ۱۳۷۱، صفحه ۳۱) خلاف موازین شرع شناخته شد.

تسلیت به همکار

بانهایت تاسف مطلع شدیم همکارمان خانم زهرا رئوفی در غم از دست دادن مادر گرامیش سوگوار است. ضمن تسلیت به ایشان و دیگر خانواده‌های عزادار برای آن مرحومه رحمت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو داریم.